

قوم موسی

نویسنده :

محمد محمدی اشتیاردی

محمدی اشتهااردی، محمد، ۱۳۲۳،
قوم موسی / نوشته محمد محمدی - کیمیا قوام.
۱۳۸۴. ۳۲ ص. مصور.

ISBN: 964-96258-1-X: ۵۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
۱. موسی ۲. قبیامبریهود - داستان. ۲ - قرآن --
الف. عنوان.

۲۹۷/۱۲۶ RP ۸۸/۴/م۳/ق۹

۱۳۸۴

۸۴-۱۱۷۲۵

کتابخانه ملی ایران

قوم موسی

مؤلف: محمد محمدی اشتهااردی

ناشر: انتشارات کیمیا قوام

چاپ: اول ۱۳۸۴

چاپخانه: یاران

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۵۰۰۰ ریال

ISBN: 964-96258-1-X

شابک: ۹۶۴-۹۶۲۵۸-۱-X

* حق چاپ محفوظ است *



موسی در صحنه

پس از رشد مبارزات مردم مصر بر علیه طبقه حاکم قبطیان و در زمانیکه این مبارزات از مراحل رشد اولیه خود پافراتر گذاشته و زمان قیام علنی بر علیه فرعونیان فرا رسیده بود بدستور رهبر خود موسی دست به مهاجرتی وسیع زدند تا با این عمل خود با فشارهای اقتصادی اجتماعی ناشی از این مهاجرت رژیم جبار فرعون را از پای درآورند. رژیم طاغوتی فرعون همچون سایر حکومت‌های ستمگر دیگر به آخرین و اصلی‌ترین وسیله سرکوبش، ارتش برای درهم شکستن این مهاجرت انقلابی محرومان مصر متوسل شد. ارتشی که سربازانش کورکورانه از اوامر رؤسا و امیران آن اطاعت کرده، و حاضر به شمشیر کشیدن بروی برادرانشان بودند. ارتش بسیج شد و فرعون در رأس سپاهیانش به تعقیب موسی و مردم پرداختند. توده‌ها برهبری موسی راه دریا را در پیش گرفتند و با شتاب تمام خود را بدان رسانده و از دریا گذشتند. و بدینسان بود که مردم مصر با حرکت انقلابی خود از شر ظلم و ستم فرعون و دارو دسته حاکم مصر نجات یافتند.

خدای توانا به امواج و طوفان دریا فرمان داد که جسد فرعون را به ساحل انداخته تا راهی برای یابو سرائیهای مردم مصر نماند و دهان سخن چینان بسته گردد و شایع سازند که فرعون غیبت کرده و روزی ظهور میکند، و همگی شاهد و ناظر مردن و واژگون شدن تخت و سلطنت فرعون یاغی و ستمگر بوده و عبرتی برای آیندگان باشد، و برای

حکام ظالم روشن گردد که بالأخره مرگ به سراغشان آید و از مرگ نتوان

گریخت .

و بنا بر عادت مردم مصر که اجساد بزرگان را داخل صندوقی مومیائی میکردند ، لذا جسد فرعون هنوز هم در موزه مصر بجا مانده .

سه روز گذشت و قوم موسی همچنان^{***} بدون هیچ هدفی در بیابان پیش می رفتند .

روزها می گذشتند و قوم موسی در پی یافتن سرزمینی مناسب برای زندگی خود همچنان در صحرا راه می پیمودند . خستگی مداوم و کمبود آذوقه مرتب به آنها فشار آورده و روز بروز آنها را فرسوده تر می کرد ، و از آنجاکه هنوز بقایای افکار طاغوتی و شرک آمیز در اعماق فکر و اندیشه آنها وجود داشت در عوض کوشش مداوم و صبر انقلابی و ناامید نشدن کم کم به این فکر افتادند که همچون گذشته از خداها و بت های موهوم کمک بخواهند . زمزمه ها شروع شدند و حرف های درگوشی مردم بلند تر می شد .

— تاکی باید سختی و زحمت را تحمل کنیم ، اصلاً خدای موسی به فکر ما نیست .

— قبلاً زندگی بهتری داشتیم ، باید از خداهای قبلی تقاضای کمک کنیم و یا حداقل یک بت نو . . .

اما آن بیچاره ها که هنوز ارزش آزادی را نمی دانستند و فکر می کردند که ساختن یک جامعه توحیدی بدون کار و کوشش و زحمیات زیاد امکان پذیر است انتظار داشتند که به سادگی و با سرفروغ آوردن در برابر خداها و بت های خیالی و ورد و دعا خواندن به جامعه دلخواه دست پیدا کنند .

موسی با شنیدن این زمزمه ها قومش را جمع کرده و چنین شروع به سخن کرد :

— ای مردم اسرائیل ، آزاد باشید و خدا را از یاد نبرده و عنان

اختیار خود را بدست خیالهای خام و افکار بیهوده ندهید . ای مردم شما که با کوشش و ایمان بخدا از دست فرعون یا غی رهایی یافته اید چگونه این افکار پوچ را در سر میپرورانید ؟ و مسئولیت بزرگی را که بردوش شما است فراموش کرده و قیامتان را بر علیه ظلم و ستم به پایان نمی برید ؟ . . .

ولی موسی میدانست که علت انحراف مردم کمبود آب و غذا و فشاری است که بر آنها وارد می شود پس می بایست برای آنها چاره ای بیاندیشد .